



دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان

نشریه پژوهش‌های علوم و فناوری چوب و جنگل
جلد بیستم و یکم، شماره چهارم، ۱۳۹۳
<http://jwfst.gau.ac.ir>

ذینفعان و معیارهای شناسایی آنان در مدیریت منابع طبیعی (مطالعه موردی: جنگل‌های استان گلستان)

*سید مرتضی موسوی نوکنده^۱، محمدهادی معیری^۲ و عبدالرسول سلمان ماهینی^۳
دانشجوی دکتری گروه علوم جنگل، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان، دانشیار گروه جنگلداری، دانشگاه
علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان،^۳ دانشیار گروه محیط‌زیست، دانشگاه علوم کشاورزی و منابع طبیعی گرگان
تاریخ دریافت: ۱۳۹۳/۱/۲۶؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۷/۱۹

چکیده

از عوامل مهم موفقیت در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری مدیریت منابع طبیعی توسط سیاست‌گذاران و مدیران این عرصه‌ها به‌ویژه عرصه‌های جنگلی شمال کشور، شناسایی ذینفعان و معیارهای مربوط است. در دو دهه اخیر تحقیقات زیادی در جهت دستیابی به چنین هدفی صورت گرفته است، ولی ویژگی‌های مربوط به هر منطقه ضرورت تکرار بررسی‌ها و دستیابی به یک نتیجه احتمالا مطلوب را ایجاب می‌کند. این بررسی با طراحی پرسش‌نامه در قالب طیف لیکرت و طرح گویه‌های با گزینه‌های ارجحیت پنج‌گانه در رسیدن به معیارهای مؤثر برای شناسایی ذینفعان و تعیین افراد یا گروه‌های ذینفع انجام شد. پاسخ‌دهندگان تعداد ۲۵۰ نفر از افراد مختلف روستانشین، کشاورز، دامدار، گردشگر، کارشناس، اساتید، بهره‌بردار، مجریان طرح‌ها و غیره بودند. روایی پرسش‌نامه طبق نظر متخصصان و کارشناسان بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. آماره آلفای کرونباخ ۰/۸۱۱ به‌دست آمد که نشان‌دهنده در حد قابل قبول بودن پایایی پرسش‌نامه است. نتایج نشان می‌دهد سه معیار اصلی برای شناسایی ذینفعان تعیین کننده‌اند که به‌ترتیب رتبه شامل: سکونت، بهره‌برداری و نگرش و طرفداری افراد نسبت به حفاظت و حمایت از منابع هستند. این سه معیار نوزده زیرگروه معیارها را در بر می‌گیرند. ذینفعان

*مسئول مکاتبه: mosavimorteza9@gmail.com

شناسایی شده نیز از بین زیرگروه‌های ذینفعان نوزده‌گانه، به ترتیب هفت گروه مختلف کشاورزان، دامداران، گردشگران، کارشناسان، بهره‌برداران، اساتید و صاحب‌نظران، و NGOs هستند. نتایج حاصل مکمل یافته‌های محققان دیگر است که بر ضرورت در نظر گرفتن ذینفعان و معیارهای مرتبط در مدیریت عرصه‌های جنگلی منطقه مورد بررسی تأکید دارد. یافته‌های این تحقیق در کاهش چالش‌های موجود مدیریت منابع طبیعی و به‌ویژه جنگل‌ها و افزایش تعامل و همکاری بخش‌های مختلف نقش مهمی خواهد داشت.

واژه‌های کلیدی: ذینفعان، معیار شناسایی، بهره‌برداری، طیف لیکرت، مدیریت، جنگل‌داری

مقدمه

در راستای سیاست‌گذاری‌های اصولی در منابع طبیعی و برای برنامه‌ریزی، تصمیم‌گیری و موفقیت در این زمینه شناخت کامل ذینفعان و معیارهای شناسایی آنان بسیار مهم است. تصمیم‌گیری‌ها در مدیریت منابع طبیعی به دلیل طبیعت چندمنظوره فواید و خدمات این منابع، مشکل بودن ارزش‌گذاری پولی خدمات اکولوژیکی و درگیر بودن تعداد زیاد ذینفعان اغلب با پیچیدگی، تغییرناپذیری و عدم اطمینان همراه است و تصمیم‌گیری‌ها را همواره با چالش‌هایی مواجه می‌کند (آناندا و هرات، ۲۰۰۳). جنگل‌ها یکی از اکوسیستم‌های پیچیده منابع طبیعی با نقش مهم در محیط‌زیست و از منابع محدود ولی با ظرفیت‌های تولیدی و کارکردهای چندگانه هستند. بهره‌مندی جوامع مختلف انسانی از این منابع به اشکال گوناگون از یک طرف و آثار و تبعات ناشی از دخالت‌ها از طرف دیگر نیازمند جهت‌گیری اصولی و هدایت نحوه صحیح اداره جنگل‌هاست. به‌علاوه بدون شناسایی دقیق و کامل همه اثرگذاران در این فرآیند پیچیده نمی‌توان به نتایج منطقی و قابل قبول تصمیمات اطمینان داشت. این اثرگذاران ذینفعانی هستند که با توجه به گستردگی و تنوع منابع، تعاریف متنوعی نیز از آن‌ها ارائه شده است.

ذینفع می‌تواند اثرگذار یا اثرپذیر باشد و منافع هم داشته باشد، چنان‌که گریمبل (۱۹۹۷) مفهوم ذینفع را شامل کسی می‌داند که تحت تأثیر قرار می‌گیرد یا می‌تواند بر موقعیتی با روشی خاص اثر بگذارد که این به مفهوم دارا بودن منافع مشخص و معلوم توسط ذینفع در مسئله تصمیم‌گیری است. همچنین، ذینفعان بر اساس ارزش‌ها و معیارهایی قابل شناسایی‌اند. لویت (۲۰۱۲) نیز بیان کرده توجه

به مجموعه‌ای از معیارها مانند ارزش‌های مختلف نزدیکی (مجاورت)، اقتصادی، بهره‌برداری و اجتماعی برای تعریف ذینفعان لازم است.

شناسایی ذینفعان در مناطق مختلف جنگلی باید در اولویت برنامه‌های مدیریتی و تهیه طرح‌های جنگلداری باشد، چرا که ضرورت به‌کارگیری توانمندی‌های عمومی جوامع در مدیریت جنگل‌ها اجتناب‌ناپذیر است. ذینفعان در عرصه‌های منابع طبیعی و جنگل‌ها از مؤلفه‌های حیاتی و اساسی محسوب می‌شوند که حضور و فعالیت آنان در این عرصه‌ها انکارناپذیر و فراهم‌کننده تضمین موفقیت در مدیریت مشارکتی است. با شناسایی و تعیین ذینفعان می‌توان از همکاری آن‌ها به شکل برنامه‌ریزی شده‌ای در اجرا و مدیریت طرح‌های جنگلداری بهره‌برد و روند اجرای برنامه‌ها را تسهیل کرد و تا حدود زیادی از بروز مشکلات ناشی از اختلاف‌نظرها و تنوع علاقه‌ها، تضادها و کشمکش‌ها جلوگیری کرد. رنارد (۲۰۰۴) شناسایی و تجزیه و تحلیل ذینفعان را اولین مرحله مهم در فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی و تشکیل‌های منطقه‌ای می‌داند که می‌تواند به‌عنوان یک رهیافت مؤثر و کارآمد در این زمینه به‌کار رود. عدم شناسایی بعضی ذینفعان طبق نظر لویت (۲۰۱۲)، ممکن است باعث اریبی در نتایج مراحل بعدی شود. در عین حال، اجرای فرآیندهای شناسایی با افراد ناهمگن متعدد می‌تواند این خطرات را به حداقل برساند. از طرف دیگر، درگیر شدن تمام ذینفعان ممکن است پیچیدگی و هزینه‌های فرایند مشارکت را افزایش دهد. در چنین شرایطی، پیدا کردن تعادل بهینه بین این خطرات از چالش‌های عمده محسوب می‌شود. در هر صورت، ائتلاف و اتحاد همه ذینفعان با توجه به‌نظر رنارد (۲۰۰۴) یک اصل برای موفقیت در مشارکت است.

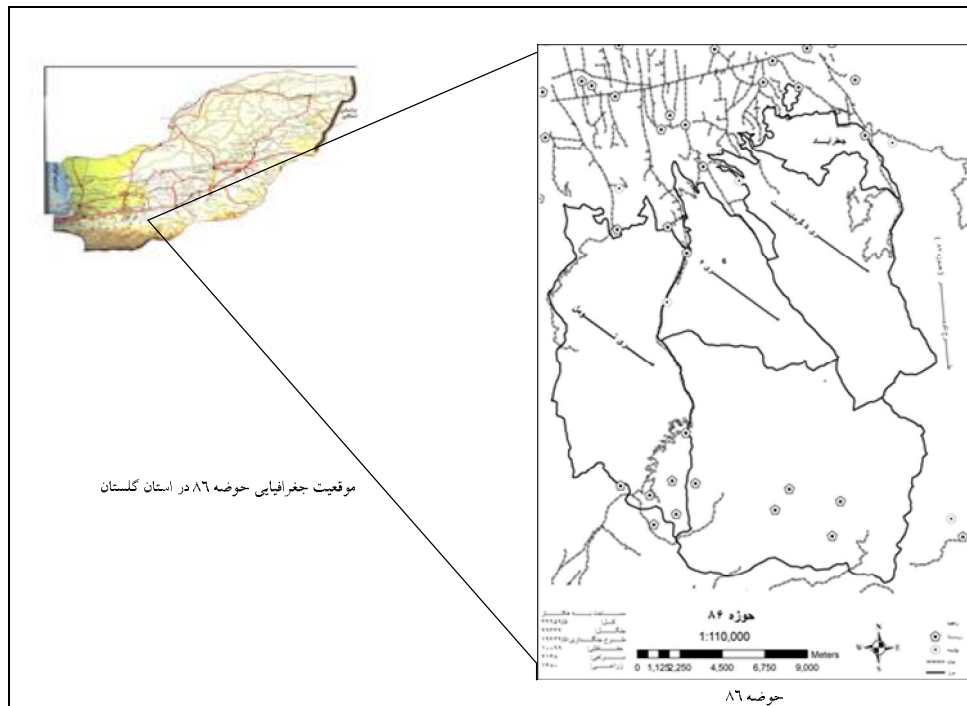
سیاستمداران و حاکمان که بیشترین تصمیم‌گیری برای مدیریت جنگل‌ها را انجام می‌دهند و بر راه حل‌های فنی و تصمیم‌گیری بالا به پایین تأکید دارند، تجربیات ذینفعان محلی بومی را نادیده می‌گیرند. اکنون در فرآیند مدیریت جنگلداری درک وسیع‌تری از شکست‌ها و عدم موفقیت‌ها به‌وجود آمده که با تأکید چند جانبه بر اقتصاد، مدیریت و جنبه‌های حفاظتی به ملاحظات عادلانه قابلیت‌های پذیرش اجتماعی - فرهنگی و حقوق اساسی و مشارکت مردم محلی منجر شده است. از این جهت، در زمینه سیاست جنگل در سطح جهانی اصلاحات و پیشرفت‌هایی برای افزایش مشارکت ذینفعان محلی در تصمیم‌گیری‌های مدیریت جنگل اتفاق افتاده است (لویت و همکاران، ۲۰۱۲). ضرورت‌های شناسایی ذینفعان در برنامه‌ریزی و تصمیم‌گیری برای عرصه‌های جنگلی طبق نظر شپارد و همکاران (۲۰۰۵) موارد زیر می‌باشد: گستردگی مفهوم منافع عمومی جنگل‌ها برای جوامع با توجه به طیف گسترده ارزش‌های

اجتماعی، اقتصادی، اکولوژیکی؛ استراتژی و سیاست‌های مدیریت جنگل؛ افزایش اطلاعات عمومی در باره جنگل‌ها، جنگلداری و پذیرش اجتماعی در مدیریت پایدار جنگل‌ها؛ افزایش اعتماد در بین ذینفعان و درستی و اعتماد بیشتر به تصمیم‌گیری‌ها؛ آمادگی عملیاتی برای مدیریت در موارد پیچیده و دشوار؛ نیازها و ضرورت‌های آموزشی در باره اکوسیستم؛ ملاحظات مربوط به ذینفعان و مدیریت گزینه‌های مرتبط؛ در برداشتن و برخورداری از دانش محلی و سنتی در تصمیم‌گیری‌ها. در برنامه‌ریزی جامع مدیریت اراضی، ضرورت سروکار داشتن با ذینفعان و معیارهای مرتبط با آن‌ها در مدیریت حوزه‌های آبخیز توسط کوهلر و کونتز (۲۰۰۸) به‌عنوان عنصر کلیدی در ایجاد تعادل و مدیریت پایدار حوزه‌های آبخیز دانسته شده است. قنبرپور و هیپل (۲۰۱۱) اعلام کردند که پیامدهای محیط‌زیستی در مقیاس حوزه‌های آبخیز همه ذینفعان شامل اجتماعات، آژانس‌های دولتی و غیردولتی، و گروه‌های علاقه‌مند و سازمان‌های غیردولتی را در بر می‌گیرد. بر اساس اعلام لویت (۲۰۱۲)، طرح‌ها و نقشه‌هایی برای شناسایی ذینفعان تهیه شد که به واسطه حلقه‌های اتصال، پیوستگی‌ها و روابط بین خودشان قابلیت شناسایی پیدا کردند. ایشان به‌علاوه بیان کردند که به‌طور کلی رهیافت سیستماتیکی برای دو معیار انتخاب ذینفعان، نوع، نحوه استفاده و بهره‌برداری آنان وجود ندارد. در بررسی ایشان به‌منظور به حداقل رساندن گرایش‌ها در ساختار ذینفعان و اثبات میزان علاقه و وابستگی آن‌ها به محیط‌زیست، افرادی مانند نمایندگان مردم، متخصصان یا خود ذینفعان برای رتبه‌بندی در یک مقیاس ویژه برای هر معیار با استفاده از پرسشنامه‌ها یا مصاحبه‌ها در پاسخ به سوالات مطرح شده شرکت داده شدند.

با توجه به اهمیت شناسایی و تشخیص ذینفعان در برنامه‌ریزی مدیریت منابع طبیعی و به‌ویژه جنگلداری و وجود بررسی‌هایی که در این زمینه در ایران ناکافی هستند مخصوصاً به‌صورت منطقه‌ای و موردی، در این مقاله سعی بر این است که ذینفعان و معیارهای شناسایی آنان برای منطقه مورد مطالعه مشخص شوند تا به‌عنوان الگویی در برنامه‌ریزی‌های عرصه‌های منابع طبیعی منطقه مدنظر قرار گیرند.

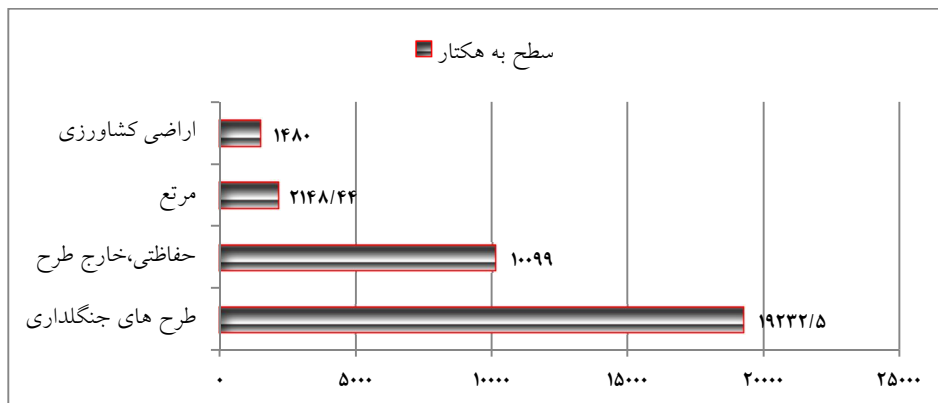
مواد و روش‌ها

منطقه مورد مطالعه طبق محتوای کتابچه طرح‌های جنگلداری (۲۰۱۲)، در حوزه ۸۶ جنگل‌های شمال کشور، استان گلستان، شرق گرگان و محدوده عرض‌های جغرافیایی شمالی ۳۶ درجه ۱۵ دقیقه و ۴۰ ثانیه و ۳۶ درجه ۳۸ دقیقه و ۱۸ ثانیه و طول‌های جغرافیایی شرقی ۵۴ درجه ۴۳ دقیقه و ۱۵ ثانیه و ۵۴ درجه ۳۷ دقیقه و ۳۰ ثانیه واقع شده است.



شکل ۱- موقعیت جغرافیایی حوضه ۸۶

طرح‌های جنگلداری منطقه شامل: نومل، سری‌های ۵ و ۶ گرمابدشت و طرح جعفرآباد می‌باشد. شمال غربی حوزه تقریباً متصل به محدوده شهر گرگان و قسمت شمال شرق نیز در کیلومتر ۲۰ شرق گرگان متصل به روستای جعفرآباد است. این منطقه از شمال محدود به زمین‌های کشاورزی، از جنوب به خط‌الراس رشته کوه البرز و محدوده استان سمنان، از شرق به حوزه آبخیز ۸۷ و هم مرز با سری ۵ گرمابدشت و طرح جنگلداری تاویر و از غرب به حوزه آبخیز ۸۵ و هم مرز با سری‌های ۷ زیارت و باغ گلبن و مناطق حفاظتی واقع در شرق روستای زیارت است (شکل ۱). مساحت این حوزه ۳۲۹۶۰ هکتار و شامل سطوح تفکیکی به صورت شکل ۲ می‌باشد.



شکل ۲- سطوح تفکیکی منطقه مورد بررسی.

جاده ارتباطی معروف به توسکاستان در این حوزه مناطق جبهه شمالی البرز را به جبهه جنوبی البرز، یعنی استان گلستان را به استان سمنان، متصل می‌کند. وجود چنین جاده جنگلی با کارکردهای چندگانه علاوه بر دستیابی به جنبه‌های اقتصادی اجرای طرح‌های جنگلداری، که از ضروریات مدیریت عرصه‌های جنگلی است، منطقه مورد بررسی را به منطقه‌ای با فواید و خدمات چندگانه تبدیل کرده است و در تأمین اهداف متعدد نقش مؤثر، جدی و عمیقی دارد. بهره‌برداری کنندگان از فواید و خدمات جنگل منطقه مورد بررسی بخش‌های دولتی، خصوصی و تعاونی هستند که به اشکال گوناگون رسمی و غیررسمی از آن بهره‌مند می‌شوند و ذینفعان مختلف را تشکیل می‌دهند. به این ترتیب بستر مساعد امکان دسترسی و ورود به سطوح گسترده حتی نقاط صعب‌العبور برای بهره‌برداران و استفاده‌کنندگان از تولیدات چوبی، محصولات، خدمات و کارکردهای چندگانه جنگل بدون محدودیت و مانعی فراهم شده است. وجود روستاهای مجاور جنگل با قدمت زیاد بهره‌برداری و استفاده‌های سنتی و امرار معاش متکی به جنگل در توفیق مدیریت مدرن بر عرصه‌های جنگلی منطقه سایه افکننده و امکان نادیده گرفتن آن‌ها تا حدی دشوار و پیچیده است. کشاورزان و مخصوصاً دامداران حتی با اجرای طرح خروج و تجمیع دامداران پراکنده جنگل‌نشین و ایجاد منطقه مسکونی جدید همچنان خود را در بهره‌برداری از جنگل ذی‌حق می‌دانند چنان‌که ورود احشام به داخل عرصه‌های جنگلی منطقه از نظر آنان امری عادی است. در حالی که طی سالیان اخیر مخالفت‌های زیادی از جانب مدیران منابع طبیعی با این روند صورت گرفته است. تفرج‌گران از روستاهای مجاور حتی از مناطق شهری و

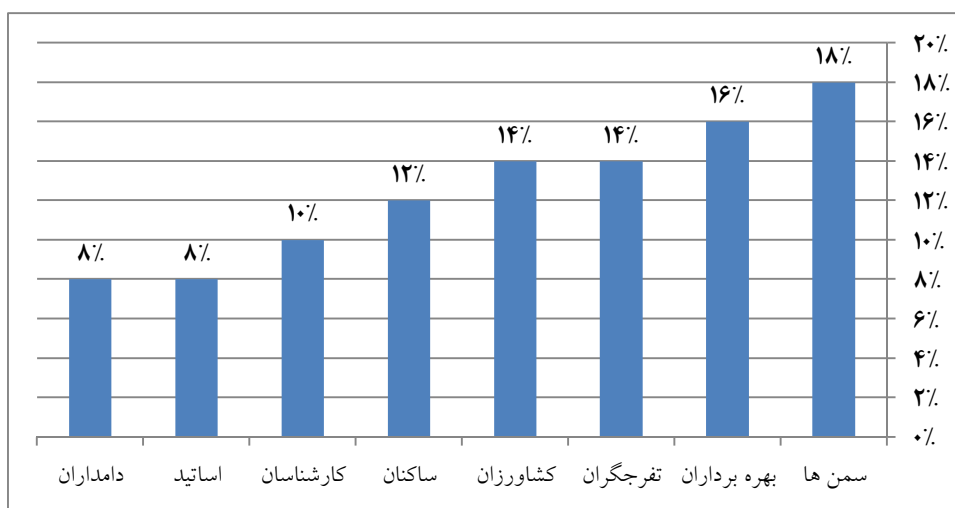
روستایی دور و نزدیک به دلیل وجود جاذبه‌های طبیعی و مذهبی، از افراد و گروه‌های عمده بهره‌بردار و استفاده کننده از مواهب طبیعی منطقه هستند که امکانات رفاهی در قسمت‌هایی از جنگل به‌همین منظور فراهم شده است. وجود گونه‌های درختی سرخدار در محدوده جنگلی منطقه، اگر چه جزء ذخایر ژنتیک و ممنوع مقطع می‌باشد، ولی از چشم طمع قاچاقچیان و به‌عنوان منبع مهم درآمدی و معضل حفاظتی منابع طبیعی منطقه دور نمانده است. شکار حیوانات نیز یکی از جاذبه‌های مخصوص این منطقه است که حفاظت حیات‌وحش را با مشکلات و دشواری‌هایی همراه می‌کند.

برای تشخیص و شناسایی ذینفعان در این منطقه پس از تعیین حدود طرح جنگل‌داری با نقشه‌های رقومی شده به کمک سیستم اطلاعات جغرافیایی، مشخصات مختلف مکانی مانند جاده‌ها، رودخانه‌ها و آبراهه‌ها، چشمه‌ها، روستاها، زیارتگاه‌ها، اراضی زراعی و غیره مشخص شدند (شکل ۱). رسیدن به پاسخ دو پرسش مهم در این بررسی مدنظر بود که: الف- گروه‌ها، افراد و جمعیت‌های مختلف استفاده کننده از عرصه‌های جنگلی یا ذینفعان چه کسانی هستند و ب- معیارهای لازم برای شناسایی آنان چیست. پرسش‌نامه با طرح گویه‌های مربوط به زیرگروه ذینفعان، زیرگروه معیارها، ذینفعان و معیارها در قالب طیف لیکرت تهیه شد. هدف این طیف اندازه‌گیری گرایش به یک موضوع بر اساس ارزش‌های جامعه و کاربرد آن در بررسی گرایش‌ها نسبت به مسئله سیاسی-اجتماعی و اقتصادی است که در سطح ترتیبی نیز مورد سنجش قرار می‌گیرد (سرمد و همکاران، ۲۰۰۶). به دلیل وسعت زیاد منطقه مورد بررسی و تعدد و تنوع استفاده‌کنندگان و بهره‌برداران و مراجعه‌کنندگان پرسش‌نامه‌ها در اختیار ۲۵۰ نفر قرار گرفت. پاسخ‌دهندگان مختلف شامل صاحب‌نظران و کارشناسان مرتبط با محیط‌زیست و منابع طبیعی، تفرج‌گران، ساکنان، دامداران، کشاورزان، بهره‌برداران و غیره بودند. گویه‌ها بر مبنای طیف لیکرت دارای پنج گزینه به صورت کاملاً موافق، موافق، بدون نظر، مخالف و کاملاً مخالف بودند. برای پاسخ به گویه‌ها از اعداد استفاده نشد تا بر نظر پاسخگویان تأثیری نداشته باشد. لذا، پس از بازگشت پرسش‌نامه‌ها از طرف پاسخگویان، گزینه‌های طیف با اعداد شماره‌گذاری شد. در نحوه شماره‌گذاری در یک طیف پنج قسمتی به کاملاً موافق نمره ۵ و تا کاملاً مخالف عدد ۱ داده شده است. به این ترتیب نظر هر یک از پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه بر اساس طیف لیکرت برای هر کدام از گویه‌ها یکی از پنج گزینه را شامل می‌شد. با اختصاص عدد مربوط به هرگزینه، در بین پاسخگویان، هر کدام از گویه‌ها اعداد متفاوتی کسب کردند. از مجموع اعداد هر گویه در پرسش‌نامه‌ها توسط نرم‌افزار SPSS16 و در قالب طیف لیکرت میانگینی به دست آمد که میانگین رتبه هر

گویه را در بین سایر گویه‌ها تعیین کرد. روایی پرسشنامه را با توجه به نظر متخصصان و کارشناسان تعیین و پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ و با یکی از نرم‌افزارهای متداول در این زمینه یعنی SPSS16 (مؤمنی و همکاران، ۲۰۰۷) به دست آمد. ضریب آلفای کرونباخ برای سنجش میزان تک بعدی بودن نگرش‌ها، قضاوت‌ها و سایر مقولاتی به کار می‌رود که اندازه‌گیری آن‌ها آسان نیست. سلیمی و همکاران (۲۰۰۸) اعلام کردند این چنین آزمونی که حاصل آن یک ضریب به نام آلفای کرونباخ می‌باشد، برای آزمون قابلیت اعتماد یا پایایی پرسشنامه‌ای به کار می‌رود که به صورت طیف لیکرت طراحی شده و جواب‌های آن چند گزینه‌ای می‌باشد.

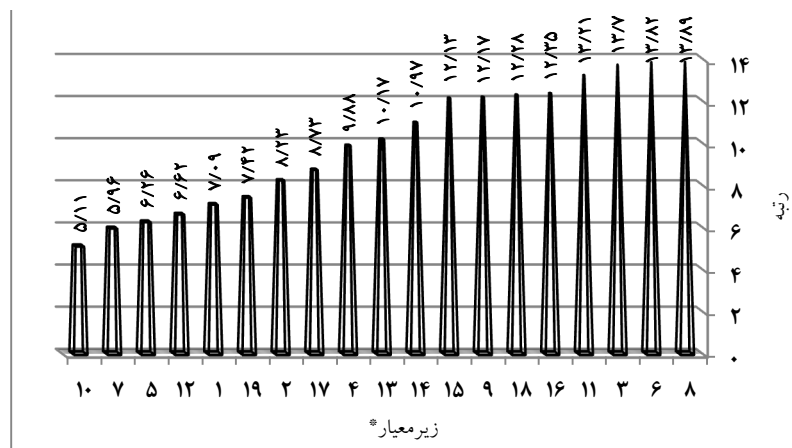
نتایج

روایی پرسشنامه با توجه به نظر متخصصان و کارشناسان بررسی و مورد تأیید قرار گرفت. این تأیید نشان داد که پرسشنامه تهیه شده قادر به اندازه‌گیری ویژگی و خصوصیتی است که برای شناسایی ذینفعان و معیارهای لازم در این زمینه طراحی شده است. پایایی پرسشنامه نیز با استفاده از روش آلفای کرونباخ تعیین شد. آماره آلفای کرونباخ برابر ۰/۸۱۱ به دست آمد. این عدد نشان‌دهنده این نکته بود که پرسشنامه از میزان پایایی در حد قابل قبولی برخوردار است. درصد پاسخ‌دهندگان به پرسش‌نامه‌های توزیع شده به صورت تفکیکی در شکل ۳ نشان داده شده است.



شکل ۳- درصد تعداد پاسخگویان به پرسش‌نامه‌ها.

میانگین رتبه زیرگروه‌های معیارهای نوزده‌گانه شناسایی ذینفعان بر اساس آزمون فریدمن در بین پاسخ‌های ۲۵۰ نفر از پاسخ‌دهندگان در شکل ۴ نشان داده شده است. به لحاظ توصیفی زیرگروه "محصولات غیرچوبی" برای شناسایی ذینفعان با مقدار ۱۳/۸۹ در رتبه اول و زیرگروه "بهره‌برداری" با ۱۳/۸۲ در رتبه دوم قرار گرفته است. سایر زیرگروه‌ها در رتبه‌های پایین‌تر و زیرگروه "اهداف سیاسی و نظامی منتفع از مواهب جنگل" برای شناسایی ذینفعان آخرین رتبه را به خود اختصاص داده‌اند.



شکل ۴- میانگین رتبه زیر معیارهای شناسایی ذینفعان بر اساس آزمون فریدمن.

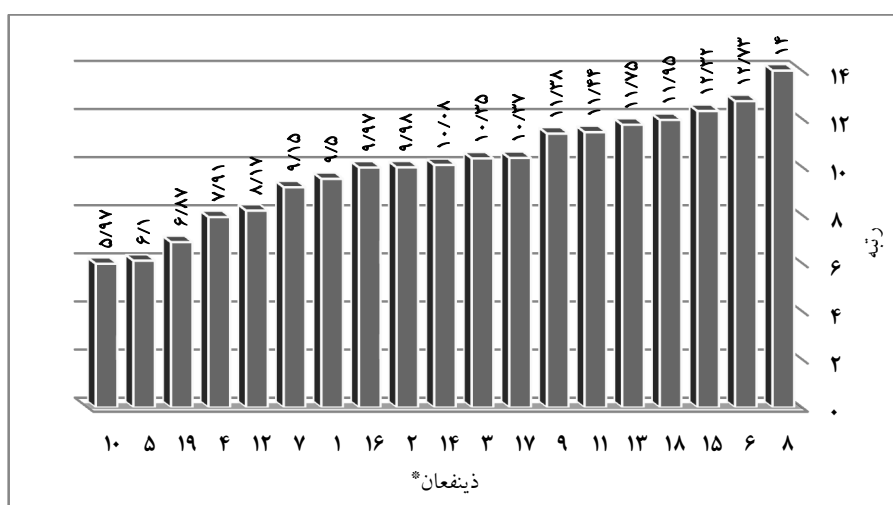
۱* - پرورش دام‌های اهلی ۲- شکار مجاز حیات وحش ۳- پرورش آبزیان و زنبور عسل ۴- صنایع وابسته به تولیدات جنگلی ۵- سکونت در شهرهای مجاور جنگل ۶- بهره‌برداری از محصولات چوبی جنگل ۷- بهره‌برداری از معادن در عرصه‌های جنگلی ۸- بهره‌برداری از محصولات غیرچوبی جنگل ۹- حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب و خاک ۱۰- اهداف سیاسی و نظامی منتفع از مواهب جنگل ۱۱- اشتغال وابسته به تولیدات، درآمدها و منابع جنگلی ۱۲- سکونت دائم یا موقت در داخل عرصه‌های جنگلی ۱۳- سکونت دائم یا موقت در روستاهای مجاور جنگل ۱۴- بهره‌برداری از فضاهای تفریحی و چشم‌اندازهای زیبا ۱۵- تشکیل‌های مردمی، طرفداری و حمایت از محیط‌زیست ۱۶- تحقیق، پژوهش و آموزش در زمینه منابع طبیعی و محیط‌زیست ۱۷- حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری ۱۸- کشاورزی، باغداری و فعالیت‌های مشابه و وابسته به وجود جنگل ۱۹- تردد از جاده‌های جنگلی موجود با اهداف معیشتی، تفریحی و غیره.

با توجه به نتیجه آزمون فریدمن در جدول ۱ بین زیر معیارهای شناسایی ذینفعان تفاوت معنی‌دار در سطح احتمال ۹۵ درصد وجود دارد.

جدول ۱- آزمون فریدمن زیر معیارهای شناسایی ذینفعان.

تعداد	مربع کای	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۲۵۰	۱۵۲۱/۶۶۶	۱۸	۰/۰۰۰

شکل ۵ میانگین رتبه‌های زیرگروه ذینفعان را بر اساس آزمون فریدمن در بین نوزده گویه مربوط نشان می‌دهد که میانگین رتبه‌ای متفاوتی نسبت به همدیگر دارند. بالاترین رتبه را از لحاظ توصیفی گویه شماره ۸ یعنی "صاحبان و شاغلین صناعی که وابسته به تولیدات جنگلی‌اند" با میانگین رتبه ۱۴ و پایین‌ترین رتبه را گویه ۱۰ یعنی "شکارچیان مجاز حیات وحش" در عرصه‌های جنگلی با میانگین رتبه ۵/۹۷ به خود اختصاص داده‌اند و بقیه زیرگروه ذینفعان رتبه‌های بین این دو را کسب کرده‌اند.



شکل ۵- میانگین رتبه زیرگروه ذینفعان بر اساس آزمون فریدمن.

*۱- گردشگرانی که برای گردش و تفریح وارد عرصه‌های جنگل می‌شوند، ۲- کسانی که برای ورزش و کوه‌پیمایی وارد عرصه‌های جنگلی می‌شوند، ۳- دامدارانی که از عرصه‌های جنگلی برای تعلیف دام استفاده می‌کنند، ۴- کلیه کسانی که در جنگل یا داخل محدوده جنگل ساکن هستند، ۵- کسانی که از معادن در عرصه‌های جنگلی بهره‌برداری می‌کنند، ۶- کسانی که از محصولات چوبی جنگل بهره‌برداری می‌کنند، ۷- کسانی که از محصولات فرعی جنگل بهره‌برداری می‌کنند، ۸- صاحبان و شاغلین صناعی که وابسته به تولیدات جنگلی‌اند، ۹- کلیه کسانی که در روستاهای مجاور جنگل ساکن هستند، ۱۰- شکارچیان مجاز حیات وحش در عرصه‌های جنگلی، ۱۱- پرورش‌دهندگان آبزیان و زنبورعسل، ۱۲- کسانی که از منابع آبی جنگل استفاده می‌کنند، ۱۳- سازمان‌ها و ادارات مرتبط با منابع آب و خاک، ۱۴- محققان، پژوهش‌گران و اساتید منابع طبیعی و محیط‌زیست، ۱۵- کشاورزان، باغداران و فعالان مرتبط در زمینه‌های آگروفارستری، ۱۶- ارگان‌ها، سازمان‌ها و نهادهای سیاسی و نظامی متفع از منابع جنگلی، ۱۷- طرفداران، حافظان و حامیان میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری، ۱۸- کارشناسان و متخصصان بخش اجرا و سیاست‌گذار منابع طبیعی و محیط‌زیست، ۱۹- صاحبان و رانندگان وسایل نقلیه ترددکننده در جاده‌های جنگلی با اهداف تفریحی یا معیشتی.

نتیجه آزمون فریدمن در جدول ۲ نشان می‌دهد که تفاوت معنی‌داری بین زیرگروه ذینفعان نوزده‌گانه در سطح احتمال ۰/۹۵ وجود دارد.

جدول ۲- آزمون فریدمن زیرگروه ذینفعان.

تعداد	مربع کای	درجه آزادی	سطح معنی‌داری
۲۵۰	۸۴۷/۷۹۷	۱۸	۰/۰۰۰

با توجه به این‌که زیرگروه‌های معیارهای شناسایی و زیرگروه‌های ذینفعان از نظر تعداد زیاد بوده و این حالت امکان درک بهتر و پاسخگویی به گویه‌های مطرح شده در پرسش‌نامه‌ها را برای پاسخ‌دهندگان تسهیل می‌کردند ولی برای تسهیل در تجزیه و تحلیل‌های بعدی و امکان دسته‌بندی آن‌ها به تعداد کمتر، در پرسش‌نامه تهیه شده هر کدام از زیرگروه معیارها و زیرگروه ذینفعان در گروه‌های بزرگ‌تر قرار داده شدند و نظر پاسخ‌دهندگان نیز در این زمینه اخذ شد. نتایج حاصل از این تفکیک و دسته‌بندی‌ها در جداول و نمودارهای زیر آمده است.

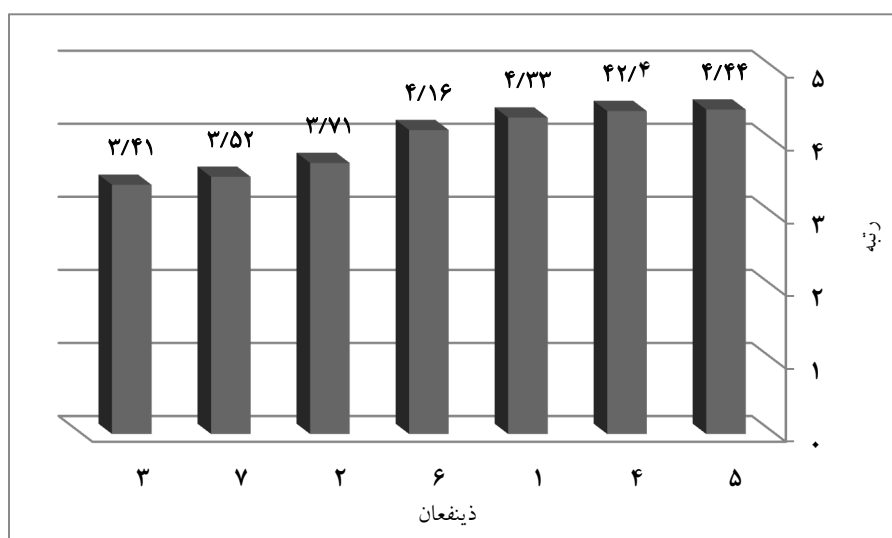
زیرگروه‌های معیارهای نوزده‌گانه با توجه به شباهت‌های ماهیتی و کارکردی در سه معیار جامع‌تر برای شناسایی ذینفعان یعنی ۱- سکونت ۲- بهره‌برداری و ۳- حمایت از منابع طبیعی قرار داده شدند. با تجزیه و تحلیل پرسش‌نامه‌های جمع‌آوری شده از پاسخ‌دهندگان که در جدول ۳ آمده است، ضریب همبستگی اسپیرمن (بی‌همتا، ۲۰۰۸) در بین معیارهای شناسایی ذینفعان نشان می‌دهد که بیشترین ضریب همبستگی بین معیارهای سکونت و حمایت برابر ۰/۶۲۳ و کم‌ترین ضریب همبستگی بین معیارهای سکونت و بهره‌برداری برابر ۰/۴۵۶ وجود دارد. همبستگی بین معیارهای شناسایی ذینفعان در سطح ۰/۹۹ معنی‌دار است.

جدول ۳- ماتریس ضریب اسپیرمن معیارهای شناسایی ذینفعان.

	سکونت	بهره‌برداری	حمایت
ضریب همبستگی	۱/۰۰۰	۰/۴۵۶	۰/۶۲۳
سطح معنی‌داری	۰	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰
تعداد	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
ضریب همبستگی	۰/۴۵۶	۱/۰۰۰	۰/۵۳۰
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰	۰/۰۰۰
تعداد	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰
ضریب همبستگی	۰/۶۲۳	۰/۵۳۰	۱/۰۰۰
سطح معنی‌داری	۰/۰۰۰	۰/۰۰۰	۰
تعداد	۲۵۰	۲۵۰	۲۵۰

بر اساس آزمون فریدمن، میانگین رتبه معیارهای شناسایی ذینفعان عبارت است از: سکونت ۲/۰۸، بهره‌برداری ۲/۰۳ و حمایت ۱/۸۹ که این معیارهای شناسایی در سطح احتمال ۰/۹۹ تفاوت معنی‌داری دارند. زیرگروه‌های ذینفعان نوزده‌گانه در هفت گروه ذینفع کلی به اسامی ۱- کشاورزان ۲- دامداران ۳- گردشگران ۴- کارشناسان ۵- بهره‌برداران ۶- اساتید و صاحب‌نظران ۷- سازمان‌های مردم‌نهاد قرار گرفتند.

میانگین رتبه ذینفعان بر اساس آزمون فریدمن با توجه به نظرات پاسخ‌دهندگان پرسش‌نامه در شکل ۶ نشان داده شده است. از نظر توصیفی رتبه اول بین ذینفعان منطقه را بهره‌برداران به خود اختصاص داده و کم‌ترین رتبه مربوط به گردشگران است. آزمون فریدمن همچنین نشان داد که معیارهای هفت‌گانه شناسایی ذینفعان در منطقه مورد بررسی حوزه ۸۶ جنگل‌های شمال کشور تفاوت معنی‌داری در سطح ۰/۹۵ دارند.



شکل ۶- میانگین رتبه ذینفعان بر اساس آزمون فریدمن.

بحث و نتیجه‌گیری

با توجه به چالش‌های ایجاد شده ناشی از ازدیاد پیچیدگی‌های اجتماعی- اکولوژیکی و کشمکش‌های روبه افزایش ناشی از عدم اطمینان و اعتمادها؛ مشارکت ذینفعان به‌عنوان علاج و راه

چاره مؤثر در موفقیت مدیریت منابع طبیعی و به‌ویژه جنگل‌ها مطرح و پذیرفته شده است. بنابراین، در مدیریت منابع طبیعی و محیط‌زیست و مخصوصاً طرح‌های جنگلداری نقش، حضور و تأثیر ذینفعان غیرقابل اغماض است. تلاش‌های صورت گرفته در مناطق مختلف دنیا در این زمینه نیز تا حد زیادی در دست‌یابی به هدف شناسایی ذینفعان به کمک معیارهایی که در این شناسایی مؤثرند قابل توجه هستند. چون در سطح جنگل‌های شمال کشور سابقه کمتری در زمینه ذینفعان و معیارهای شناسایی آنان وجود دارد می‌توان از نتایج حاصل از این تحقیق در رسیدن به این هدف مهم در منطقه کمک گرفت. همان‌گونه که نتیجه بررسی‌ها در این تحقیق نشان می‌دهد و نظرات رنارد (۲۰۰۴) هم موید آن است: ذینفعان فقط مردم محلی نیستند بلکه شامل حاکمان و آژانس‌ها، سازمان‌ها، مؤسسات و تاجران هستند، کسانی که ضرورتاً نزدیک منابع طبیعی نیستند. همچنین ذینفعان فقط سازمان‌ها و گروه‌های رسمی نیستند، بلکه شامل افراد، اجتماعات و شبکه‌های غیررسمی‌اند. به‌علاوه ذینفعان فقط استفاده‌کنندگان از منابع طبیعی نیستند، بلکه شامل مردم و مؤسساتی‌اند که به‌طور غیرمستقیم مؤثرند، حتی بدون استفاده از آن‌ها، روی منابع تأثیر می‌گذارند و شامل مردمی‌اند که حتی ممکن است با خبر نباشند که در مدیریت این منابع وظیفه‌ای بر دوش دارند. ذینفعان در طی زمان تغییر می‌کنند. ذینفعان جدیدی در سیستم مدیریت منابع می‌توانند وارد شوند، در حالی که دیگران ممکن است نقش یا حتی علاقه‌هایشان را هم از دست بدهند. هدف اولیه از شناسایی ذینفعان نام همه کسانی است که می‌توانند و باید در فرآیند برنامه‌ریزی و مدیریت وظیفه‌ای داشته باشند. در هر حال، شناسایی ذینفعان یک قسمت مهم در فرآیند برنامه‌ریزی مشارکتی است چرا که جزیی از پیش شرط مشارکت محسوب می‌شود. در شناسایی ذینفعان علائق حال و آینده آن‌ها در استفاده و مدیریت منابع، نیازها و انتظارات آن‌ها، چگونگی استفاده آن‌ها از منابع و فوایدی که می‌برند در نظر گرفته می‌شود. رابطه‌شان با منابع، تمایل و آمادگی آن‌ها برای مشارکت و سهمشان در مدیریت مورد توجه قرار می‌گیرد. زیرگروه‌های نوزده‌گانه ذینفعان در هفت گروه اصلی ذینفعان قرار می‌گیرند. هفت گروه ذینفعان اصلی شناسایی شده در این تحقیق شامل: ۱- کشاورزان ۲- دامداران ۳- گردشگران ۴- کارشناسان ۵- بهره‌برداران ۶- اساتید و صاحب‌نظران ۷- تشکل‌ها و سازمان‌های مردم‌نهاد (سمن‌ها یا NGOs) بودند. میانگین رتبه‌های ذینفعان نیز بر اساس آزمون فریدمن یکسان نبوده و تفاوت‌های زیادی با یکدیگر دارند. ذینفعان مختلف در عرصه‌های جنگلی نیز در نتایج مطالعات کانت و همکاران (۲۰۰۴) شامل مدیران منابع صنایع جنگلی، بهره‌برداران محلی و گروه‌های محیط‌زیستی هستند که با توجه به بهره‌برداری از منابع

جنگلی به دلیل تنوع ارجحیت‌ها و رفتارهای متفاوت، منازعات و کشمکش‌های زیادی خواهند داشت. این ذینفعان معرفی شده دربرگیرنده فقط بخشی از همه ذینفعان منطقه مورد بررسی در عرصه جنگلی در این تحقیق هستند، ولی همه ذینفعان موردنظر را در بر نمی‌گیرد. بخش عمده‌ای از ذینفعان به‌عنوان اثرگذاران قانونی‌اند که ممکن است دارای قدرت باشند و ضرورت حضور آنان در تصمیم‌گیری‌ها و برنامه‌ریزی‌ها نیز تعیین‌کننده است. در جنگل‌های ترکیه بسکنت و همکاران (۲۰۰۸) مهم‌ترین ذینفعان را جوامع محلی و سمن‌ها (NGOs) دانسته‌اند که به‌طور روز افزونی خواستار دخالت و اثر بیشتر روی جنگل‌های عمومی‌اند و این در حالی است که بیشتر جنگل‌های ترکیه نیز عمومی‌اند. اگرچه جوامع محلی و سمن‌ها مهم‌ترین ذینفعان در همه عرصه‌های جنگلی هستند و در بررسی به‌عمل آمده در این تحقیق نیز، در حوزه ۸۶ جنگل‌های استان گلستان، این نکته تأیید شده است اما گروه‌ها و جوامع دیگر نیز از جمله ذینفعان عرصه‌های جنگلی در منطقه هستند که در نتایج حاصل شده این تحقیق به تفکیک مشخص شده است.

بر اساس نتایج این تحقیق سه معیار اساسی برای شناسایی ذینفعان شامل: ۱- سکونت ۲- بهره‌برداری ۳- حمایت و طرفداری از منابع طبیعی و محیط‌زیست هستند. این سه معیار نوزده زیرگروه معیار شناسایی برای ذینفعان را در بر می‌گیرد. معیار اصلی سکونت برای شناسایی ذینفعان تعداد سه زیرگروه معیارها به نام: سکونت در شهرهای مجاور جنگل، سکونت دائم یا موقت در داخل عرصه‌های جنگلی و سکونت دائم یا موقت در روستاهای مجاور جنگل را شامل می‌شود. معیار اصلی بهره‌برداری برای شناسایی ذینفعان تعداد دوازده زیرگروه معیارها را به نام: بهره‌برداری از محصولات چوبی جنگل؛ بهره‌برداری از معادن در عرصه‌های جنگلی؛ بهره‌برداری از محصولات غیرچوبی جنگل؛ حفاظت و بهره‌برداری از منابع آب و خاک؛ اشتغال وابسته به تولیدات، درآمدها و منابع جنگلی؛ پرورش دام‌های اهلی؛ شکار مجاز حیات‌وحش؛ پرورش آبزیان و زنبور عسل؛ صنایع وابسته به تولیدات جنگلی؛ بهره‌برداری از فضاهای تفریحی و چشم‌اندازهای زیبا؛ کشاورزی، باغداری و فعالیت‌های مشابه و وابسته به وجود جنگل؛ تردد از جاده‌های جنگلی موجود با اهداف معیشتی، تفریحی و غیره را در بر می‌گیرد. معیار اصلی حمایت برای شناسایی ذینفعان چهار زیرگروه معیارها را به نام: تشکل‌های مردمی طرفدار و حامی محیط‌زیست؛ تحقیق، پژوهش و آموزش در زمینه منابع طبیعی و محیط‌زیست؛ حفاظت و حمایت از میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری؛ اهداف سیاسی و نظامی منتفع از مواهب جنگل شامل می‌شود. میانگین رتبه‌های معیارهای مورد بررسی در این

تحقیق برای شناسایی ذینفعان یکسان نبوده و به لحاظ توصیفی نیز در مراتب متفاوتی قرار می‌گیرند. این معیارها با آنچه که توسط کریتون (۱۹۸۶) در این زمینه بیان شده نزدیک است که مجموعه‌ای از معیارها مانند ارزش‌های نزدیکی (مجاورت)، اقتصادی، بهره‌برداری و اجتماعی را برای شناسایی ذینفعان مناسب اعلام کرد. لویت (۲۰۱۲) هم که برای شناسایی ذینفعان علائق اقتصادی و اصول یا ارزش‌های مرتبط را برجسته کرده است، جامعیت کافی را با وجود معیارهای مهم دیگر ندارد، ولی موید معیار شناسایی تعیین شده برای ذینفعان در این تحقیق می‌باشد. ارزش‌های محیط‌زیستی به‌عنوان یکی از معیارهای موردنظر در شناسایی ذینفعان با معیار اصلی حمایت در این تحقیق نزدیک است. نتایج مطرح شده توسط کومار و همکاران (۲۰۰۷) نشان می‌دهد که مردم به‌طور کلی ارزش‌های محیط‌زیستی جنگل را به‌عنوان سودمندترین رجحان همانند ارزش‌های تفریحی و معنوی در نظر می‌گیرند و در واقع، سه معیار محیط‌زیستی، تفریحی و معنوی در شناسایی ذینفعان نقش مهمی دارند. این اهمیت اگرچه قابل توجه است ولی نمی‌تواند معیار کاملی باشد، اما در هر حال با بخشی از نتایج این بررسی در شناسایی ذینفعان هم‌خوانی دارد، چرا که سه معیار فوق در زیرمجموعه معیار حمایت در این تحقیق قرار می‌گیرند. ماتیلاین (۲۰۱۳) نیز سه صفت قانونی بودن، برخورداری از قدرت و ضرورت داشتن را به‌عنوان معیارهای لازم برای شناسایی ذینفعان و تعیین حق تقدم آنان مطرح کرده است. در شناسایی ذینفعان توسط بسکنت و همکاران (۲۰۰۸) بیان شد نیازها و انتظارات ذینفعان از ارزش‌های جنگل شامل تولید چوب، تولید آب، حفاظت خاک، ذخیره کربن و ظرفیت تفریحی اکوسیستم‌هاست که این ویژگی‌ها به‌عنوان اصولی در تعیین معیارهای شناسایی ذینفعان به‌کار می‌روند. بعضی از ویژگی‌ها و اصول تعیین معیارهای فوق به‌همراه چند معیار دیگر در تعیین معیارهای شناسایی ذینفعان در این تحقیق نیز مورد استفاده قرار گرفته‌اند. معیارهای مختلفی برای شناسایی ذینفعان توسط نویسندگان مقالات در بررسی لویت و همکاران (۲۰۱۲) پیشنهاد شده است. این معیارها شامل: گرایش‌ها و تمایلات در تهیه و اجرای پروژه‌ها، زمینه و استعداد کشمکش و ائتلاف بین ذینفعان و اهداف، امکان و میزان دسترسی به منابع، میزان نفوذ سیاسی روی پروژه‌ها، درجه اجرایی، قدرت، نیاز شدید ذینفعان، نزدیکی، قانونی بودن و مقیاس نفوذ می‌باشد. به‌علاوه نتیجه بررسی این تحقیق که زیرگروه معیارهای نوزده‌گانه را برای شناسایی ذینفعان مناسب دانسته است دارای جامعیت لازم نسبت به معیارهای اشاره شده توسط لویت و همکاران (۲۰۱۲) است.

نتیجه‌گیری کلی

شناسایی ذینفعان و معیارهای لازم برای این شناسایی اگر چه ممکن است برای مناطق مختلف یکسان نباشد ولی وجه اشتراک و تشابهات زیادی خواهند داشت. سه معیار اصلی لازم برای شناسایی ذینفعان در منطقه مورد بررسی یعنی حوزه ۸۶ جنگل‌های شمال کشور عبارت از سکونت، بهره‌برداری و حمایت می‌باشند که در مجموع نوزده زیرگروه معیارها را در بر می‌گیرد. ذینفعان منطقه مورد بررسی هفت گروه عمده: کشاورزان، دامداران، گردشگران، کارشناسان، بهره‌برداران، اساتید و صاحب‌نظران و سمن‌ها را شامل می‌شود که این هفت گروه، نوزده زیرگروه ذینفعان را در بر می‌گیرد. بدیهی است ضرورت توفیق بهتر و بیشتر در مدیریت منابع طبیعی به‌خصوص عرصه‌های جنگلی شناسایی ذینفعان و معیارهای لازم برای این شناسایی است که در هر حال برای رفع هرگونه نقص در عمل و تکمیل هدف نهایی در این مسیر نیاز به پژوهش و بررسی‌های جامع‌تر خواهد بود.

سپاسگزاری

به‌این وسیله از همکاری صمیمانه همه بزرگواران اعم از همکاران دانشگاهی؛ کارکنان ادارات کل منابع طبیعی (شاغل و بازنشسته)، محیط‌زیست؛ شوراها و دهیاری‌های روستاهای منطقه؛ گردشگران؛ تعاونی بهره‌برداران جنگلی و غیره که در مراحل مختلف تحقیق و مخصوصاً تکمیل پرسش‌نامه‌ها و رفع نواقص مشاهده شده اجرایی نظرات ارشادی داشته‌اند کمال سپاس و قدردانی را دارد.

منابع

1. Ananda, J., and Herath, G. 2003. The use of Analytic Hierarchy Process to incorporate stakeholder preferences into regional forest planning. *Forest Policy and Economics*, 5(1): 13–26.
2. Baskent, E.Z., Bas, S., and Terzioglu, K.S. 2008. Developing and implementing participatory and ecosystem based multiple use forest management planning approach (ETC, AP): Yalnzcam case study. *Forest Ecology and Management*, 256: 798–807.
3. Bihanta, M.R., and Zare, C.M.A. 2008. *Principles of Statistics for the Natural Resources Science*. University of Tehran Press, 300p. (In Persian)
4. Ghanbarpour, M.R., and Hipel, K.W. 2011. Multi-criteria Planning Approach for Ranking of Land Management Alternatives at Different Spatial Scales. *Research Journal of Environmental and Earth Sciences*. 3(2): 167-176.

5. Grimble, R., and Wellard, K. 1997. Stakeholder methodologies in natural resource management: a review of principles, contexts, experiences and opportunities. *Agriculture Systems*. 55(2): 173–193.
6. Kant, S., and Lee, S. 2004. A social choice approach to sustainable forest management: an analysis of multiple forest values in Northwestern Ontario. *Forest Policy and Economics*. 6: 215–227.
7. Koehler, B., and Koontz, T.M. 2008. Citizen Participation in Collaborative Watershed Partnerships. *Environment Management*, 41: 143-154.
8. Kumar, S., and Kant, S. 2007. Exploded logit modeling of stakeholders' preferences for multiple forest values. *Forest Policy and Economics*, 9: 516–526.
9. Luyet, V., et.al. 2012. Review A framework to implement Stakeholder participation in environmental projects. *Journal of Environmental Management*, 111: 213-219.
10. Matilainen, A.M. 2013. Trust in Forest Industry Relations in Northwest Russia, Forest companies, corporate social responsibility, and company stakeholders in the Russian forest sector. *Forest Policy and Economics*. 31: 44–49.
11. Momeni, M., and Faal, G.A. 2007. *Statistical Analysis with SPSS*. Ketab e Now press, 302p. (In Persian)
12. Natural Resources and Watershed Management Administration of Golestan Province, 2012. *Booklet of Garmabdasht Forest Management*, Gorgan, (In Persian)
13. Renard, Y. 2004. *Guidelines for Stakeholder Identification and Analysis: A Manual for Caribbean Natural Resource Managers and Planners*. Caribbean Natural Resources Institute. ISBN 1-890792-07-1.
14. Salimi, M., et.al. 2008. Planning and making the assembled scores of Likert scale with viewpoint of research in management. *Journal of Management Science*. No. 80 (In Persian)
15. Sarmad, Z., Bazargan, A., and Hedjazi, E. 2006. *Research procedures in Behavior Sciences*. Agah Press, 405p. (In Persian)
16. Sheppard, S.R.J., and Meitner, M. 2005. Using multi-criteria analysis and visualisation for sustainable forest management planning with stakeholder groups. *Forest and Ecology Management*. 207: 171–187.



Gorgan University of Agricultural
Sciences and Natural Resources

J. of Wood & Forest Science and Technology, Vol. 21 (4), 2015

<http://jwfst.gau.ac.ir>

Stakeholders and Criteria for their Identification in Natural Resources Management (Case Study: Golestan Province Forests)

***S.M. Mousavi Nowkandeh¹, M.H. Moayeri² and A. Salmanmahiny³**

¹Ph.D. Student, Dept. of Forest Sciences, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, ²Associate Prof., Dept. of Forestry, Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources, ³Associate Prof., Dept. of Environmental Gorgan University of Agricultural Sciences and Natural Resources

Received: 04/15/2014 ; Accepted: 10/11/2014

Abstract

The important factors for success of planning and decision making by natural resources policy-makers and managers in northern forests of Iran relate heavily to the identification of stakeholders and criteria involved in this process. In the past two decades much researches have been implemented to discover the important cited success factors. However, each area is unique which makes them requiring comprehensive surveys. This study using questionnaire designed based on Lickert method by questions with quintet preferences switches to achieve the criteria for stakeholders identification and determination of single or groups beneficiary. The results of this study showed acceptable validity and a Cronbach's alpha of 0.811 which is reliable. It found that three main criteria for identification of stakeholders are habitation, utilization and protection by the stakeholders and included 19 sub-criteria. The identification and determination of different stakeholders were found to be beneficiaries, experts, farmers, professors, ranchmen, NGOs and tourists. These stakeholders themselves included 19 sub-stakeholders. These results are consistent with those of other researchers. The results showed the necessity of attention to stakeholders and their criteria in natural forests management. Attending to this has important effects on decreasing challenges of natural resources management specially forests and increasing of cooperation and collaboration among different stakeholders.

Keywords: Stakeholders, Identification criteria, Utilization, Lickert method, management, Forestry

*Corresponding author: mosavimorteza9@gmail.com